

«نامه به سردبیر»

بختیشوع؛ یادگار جندی شاپور و نقش عملی آن‌ها در تمدن اسلامی

بهادر قییم^{۱*}، صفیه ساکی مفرد^۲

چکیده

خانندان بختیشوع، از بزرگترین و معروفترین خاندان‌های دانشمند و دانش‌پرور جندی شاپور به‌شمار می‌رفتند؛ که حدود شش نسل از آن‌ها در جندی شاپور به تدریس و طبابت مشغول بودند. تبحر و درایت این خاندان در پزشکی و رشد آن‌ها در شناسایی، معالجه بیماران باعث گردید تا خلفای عباسی خاندان بختیشوع را به خدمت خود گرفتند و آن‌ها ضمن ارائه خدمات بالینی به خلفای عباسی، به ترجمه و تألیفات در علوم، به‌ویژه طب پرداختند و نقش ماندگاری را در تمدن اسلامی در حوزه پزشکی از خود بر جای گذاشتند. این نقش معلول خدمات این خاندان به علم پزشکی بوده است.

بررسی منابع و تحقیقات جدید نشان می‌دهد که خاندان بختیشوع با فعالیت‌های بالینی خود نزد خلفای عباسی با شایستگی تمام عمل نمودند به گونه‌ایی که اعتماد خاندان بنی عباسی را به خود جلب کردند. همچنین در حوزه‌ی علمی ضمن اقدام به ترجمه‌ی کتاب‌های طبی، تألیفات گران‌بهایی از خود بر جای نهادند.

مجموع فعالیت‌های علمی و عملی خاندان بختیشوع در زمینه‌های مختلف پزشکی که در طول چندین نسل، از نسلی به نسل دیگر در میان این خاندان انتقال می‌یافته، باعث گردید تا این خاندان به عنوان میراث‌داران علمی دانشگاه جندی شاپور و حلقه‌ی ارتباط‌دهنده‌ی پزشکی باستان به پزشکی اسلامی به ایفای نقش بپردازند.

واژگان کلیدی: خاندان بختیشوع، جندی شاپور، بغداد، علم پزشکی، تمدن اسلامی.

۱- استادیار تاریخ دانشکده‌ی ادبیات و علوم

انسانی دانشگاه شهید چمران اهواز، ایران.

تلفن و ایمیل: ۰۹۱۶۶۹۱۳۰۱۹

Ghayem.b@scu.ac.ir

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد گروه تاریخ،

دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی دانشگاه

شهید چمران اهواز، ایران.

تلفن و ایمیل: ۰۹۱۶۷۰۶۹۳۰۷

safiye.saki@yahoo.com

* نویسنده‌ی مسئول:

بهادر قییم، ایران، اهواز، اتوبان گلستان،

دانشگاه شهید چمران، دانشکده‌ی ادبیات و

علوم انسانی، گروه تاریخ

تلفن: ۰۹۱۶۶۹۱۳۰۱۹

Email: Ghayem.b@scu.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۹۰/۱۰/۱۴

تاریخ دریافت: ۹۰/۷/۹

متون مقدس زردتشتی بود که باعث شد سایر کرسی‌های علمی از جمله پزشکی مورد غفلت واقع و به تعطیلی گرایید (۴) از این دوره تا روی کار آمدن شاپور دوم (۳۱۰ - ۳۷۹ م) یک دوره رکود و فترت چهل ساله بر جو علمی دانشگاه حاکم شد.

شاپور دوم در اصل احیاگر فعالیت‌های علمی جندی‌شاپور بوده است. تأسیس مدرسه طبی، ترجمه‌ی کتب پزشکی، تلفیق پزشکی سنتی ایران با پزشکی یونانی از مهمترین فعالیت‌های علمی جندی‌شاپور در عهد شاپور دوم به شمار می‌آمده است (۸) با مرگ شاپور دوم (۳۷۹ م) دوره‌ی رکود یا فترت دوم دانشگاه جندی‌شاپور آغاز و به مدت یکصد و پنجاه سال استمرار یافت. احیاگر مجدد فعالیت‌های علمی جندی‌شاپور، این بار قباد یکم ساسانی (۴۸۸-۵۳۱ م) بود. تعطیلی مدرسه‌ی پزشکی الرُّها شمال عراق و سوریه - در سال ۴۸۹ م به پیشرفت جندی‌شاپور کمک زیادی نمود به گونه‌ای که در آن شرایط، جندی‌شاپور به بزرگترین مرکز پزشکی جهان باستان تبدیل شد و باعث گردید تعداد زیادی از سربانی‌های منطقه به جندی‌شاپور مهاجرت کنند. در این زمان جندی‌شاپور محل تجمع دانشمندان یونانی، یهودی، مسیحی، هندی و ایرانی گردید (۹) خسرو انوشیروان (۵۳۱ - ۵۷۹ م) به حرکت رو به رشد دانشگاه جندی‌شاپور شتاب بیشتری داد. صلح با رومیان و علاقه‌ی ذاتی انوشیروان به علم، باعث گردید تا بخش قابل توجهی از اقدامات اصلاحی انوشیروان معطوف مسائل علمی و تمدنی گردد. در عهد وی جندی‌شاپور همچنان به یک شهر دانشگاهی بزرگ در جهان باستان جایگاه خود را بیش از پیش تثبیت کرد. (۴) توجه به دانشمندان ملیت‌های مختلف در مرکز علمی جندی‌شاپور و تشویق آن‌ها در دوره‌ی قباد یکم و خسرو انوشیروان باعث پیشرفت علم طب و تأسیس بیمارستان در جندی‌شاپور گردید. از آن پس و تا ظهور اسلام، مرکز علمی جندی‌شاپور در مقایسه با مراکز علمی بیزانس، انطاکیه و اسکندریه، برتری خود را

شهر «جندی‌شاپور» در منابع به نام‌های مختلف «جندی‌شاپور» (۱) «گندی‌شاپور» (۲) «وَه اَنطِیوک شاپور» یعنی «شهر شاپور که به از انطاکیه است» (۳) ذکر گردید. ترکیب این اصطلاح از دو بخش «جُند / گُند» در زبان فارسی میانه به معنی «سپاه» یا «پاسگاه» (۴) و «شاپور» - شاپور اول ساسانی - (۲۴۱ - ۲۷۱ م) گویای این واقعیت است که ساخت اولیه‌ی این شهر منشاء نظامی داشته است و پیش‌تر به منظور نگهداری اسرای رومی تأسیس گردید (۵). شاپور اول ساسانی چندین شهر مهم را در قلمرو جغرافیایی ایران‌شهر با نام خود تأسیس کرد. «نیوشاپور» یعنی «شاپور خوب» [نیوشاپور فعلی] (۶) و «شهر شاپور» در غرب استخر از ایالت پارس (۲) نمونه‌هایی از این شهرها بودند. اما در عظمت و زیبایی «جندی‌شاپور» در ایالت خوزستان کافی است بدانیم که نویسندگان مسیحی، این شهر را همانند بیزانس دانسته‌اند (۷) اینکه از چه زمانی جنبه‌ی علمی این شهر به ظهور رسیده است، باید اذعان کرد که در بررسی متون تاریخ کلاسیک و نوین با نوعی از اختلاف در روایت‌ها در ارتباط با کیفیت حضور پزشکان رومی یا ترجمه‌ی کتب علمی رومی در جندی‌شاپور بر می‌خوریم. اما علی‌رغم این اختلاف، منابع در این نکته اشتراک دارند که «شاپور اول ساسانی» سنگ بنای فعالیت‌های علمی در این شهر را پایه‌گذاری نمود (۲، ۱۳، ۱۶) و او بود که با پذیرش پزشکان یونانی ارسالی توسط قیصر روم پدر زن شاپور به رواج طب بقراطی در شرق پرداخت (۷) همچنین عده‌ایی از دانشمندان ایرانی را به یونان گسیل داشت تا کتاب‌های علمی و فلسفی را از یونانی به فارسی ترجمه کرده، سپس آن را به شهر جندی‌شاپور انتقال داد و از این شهر مردم سایر نواحی ایران به استنساخ مطالب علمی این منابع پرداختند (۵) درخشش علمی جندی‌شاپور بعد از مرگ شاپور اول (۲۷۱ م) به مدت هشت سال استمرار یافت، اما پس از آن فعالیت‌های علمی، خصوصاً پزشکی این دانشگاه دچار رکود گردید. علت این رکود توجه صرف به کرسی‌های دینی و

جندی‌شاپور داشتند (۵). انتشار آوازه‌ی این خاندان در جندی‌شاپور باعث گردید تا خلفای عباسی از آن‌ها به عنوان طبیب مورد اعتماد خلیفه بهره گیرند. معروف‌ترین پزشکان این خاندان در دوره اسلامی عبارتند از:

جرجیس بن بختیشوع اولین حلقه از خاندان بختیشوع بود که وارد دربار عباسیان شد. منصور خلیفه عباسی (۱۳۶-۱۵۸ ه.ق) چون بیمار گشت جرجیس پزشک جندی‌شاپور را برای معالجه خود به بغداد فرا خواند (۶) جرجیس به بغداد آمده و خلیفه را معالجه کرد. از آن پس به واسطه‌ی تشویق خلفای عباسی مبنی بر مهاجرت پزشکان معروف جندی‌شاپور به بغداد، به تدریج مدرسه‌ی طبی جندی‌شاپور رونق و اهمیت گذشته‌ی خود را از دست داد. و به‌جای آن بغداد مرکز علم گردید (۱۰) جرجیس به امر خلیفه، به ترجمه‌ی آثار طبی به زبان عربی نیز پرداخته است (۱۱) مدتی بیمارستان و مرکز پزشکی شهر جندی‌شاپور به ریاست جرجیس از خاندان بختیشوع اداره می‌شد و او نخستین پزشک بزرگ این خاندان بود که به طبابت در جهان اسلام شهرت یافت و اخلاف او در چند نسل پیوسته از پزشکان برجسته به شمار می‌رفتند (۱۲) پس از مرگ جرجیس بن بختیشوع در سال ۱۵۲ ه.ق (۱۳) هارون‌الرشید، ابن بار بختیشوع بن جرجیس را از بیمارستان جندی‌شاپور احضار کرد.

بختیشوع بن جرجیس پزشکی جلیل‌القدر بود و به واسطه‌ی مقام ارجمند علمی و پیوستگی و مصاحبت با خلفا و امیرزادگان بنی عباس در شهر بغداد با حشمت و جلال می‌زیست (۱۴) حضور این پزشک در دربار عباسیان به زمان مهدی عباسی (۱۵۸ - ۱۶۹ هجری) باز می‌گردد. زیرا مهدی عباسی برای نجات فرزندش هادی (۱۶۹ - ۱۷۰ ه) از یک بیماری مهلک، بار دیگر به دانشگاه پزشکی جندی‌شاپور متوسل شد و از بختیشوع دوم برای درمان فرزندش رسماً دعوت به عمل آورد (۱۳) بختیشوع دوم موفق شد، هادی عباسی را درمان کند. در دوره‌ی بعد هارون‌الرشید (۱۷۰ -

حفظ کرده است. (۹) با ورود سپاهیان مسلمان در بین‌النهرین - قلمرو دولت ساسانی در سال ۱۲ هجری - عهد ابوبکر (۱۱ - ۱۳ هجری) فتوحات اسلامی آغاز شد. از این زمان تا فتح شهر جندی‌شاپور در سال ۱۷ هجری - عهد عمر (۱۳ - ۲۳ هجری) - به دلیل دوری جندی‌شاپور از تیسفون پایتخت ساسانیان در عراق، این شهر تقریباً از ویرانی مصون ماند. (۴) عامل دیگر مصونیت جندی‌شاپور، آشنایی قبلی اعراب با این مرکز علمی - پزشکی بود، زیرا حارث بن کله، از پزشکان معروف عرب در عهد جاهلیت و فرزندش نصر، در این مرکز علمی تحصیل کرده بودند. (۵،۱) در عهد خلافت عباسیان (۱۳۲ - ۶۵۶ هجری). کم کم سازمان علمی جندی‌شاپور به بغداد منتقل شد. این حرکت با تأسیس یک مؤسسه علمی به نام "بیت‌الحکمه" به اقتباس از جندی‌شاپور در سال ۲۰۱ هجری به فرمان مأمون (۱۹۸ - ۲۱۸ ه). به اوج خود رسید (۴) در عهد عباسیان، خاندان بختیشوع به عنوان محور و عنصر تأثیرگذار در نهضت طبی، در صدر قرار گرفته بود.

خاندان بختیشوع: «بختیشوع» از دو کلمه‌ی «بخت» به معنی نجات‌یافته یا آزاد شده و «یشوع» یعنی «مسیح» تلفیق یافته است و معنای کلی آن «نجات یافته یا آزاد شده‌ی مسیح» یا «بنده‌ی مسیح» می‌باشد (۴). خاندان بختیشوع گروهی از اقوام سریانی - منطقه‌ی بین‌النهرین شمالی - بر دین مسیح بودند (۱)، خروج سریانی‌ها از مذهب ارندوکس و گرایش آن‌ها به مذهب نسطوری، منجر به آزار و تعقیب و تعطیلی مدارس آن‌ها در شمال بین‌النهرین و مهاجرت به سوی سرزمین ایران شد (۹) خاندان بختیشوع به خوزستان کوچ کردند و از آنجا که گروهی از آن‌ها از علم و دانش و فضل و حکمت برخوردار بودند، مورد توجه شاهان ساسانی قرار گرفته در دانشگاه جندی‌شاپور، ابتدا به طلب علم سپس به سیمتِ استادی و مربی به تدریس مشغول شدند (۴) خاندان بختیشوع در علم طب، سرآمد بودند و سهم به‌سزایی در شکوفایی و پیشرفت علم پزشکی و تأسیس بیمارستان در

شد و قصرش در تجمل پرستی با خلیفه برابری می‌کرد. ایام گوشه‌نشینی‌های علمی که مدیر مدرسه‌ی پزشکی جندی-شاپور را مطلوب‌ترین طبیب دینای اسلامی ساخته بود، سپری گردید. برتری و فضیلت علمی این خاندان با ثروت و شخصیت فوق‌العاده‌ای که جبرئیل کسب کرده بود از بین رفت. (۱۸) ثروت افسانه‌ای جبرئیل به ۸۸/۸۰۰/۰۰۰ (درهم) رسید (۱۵). در سال ۱۹۵ هجری هارون‌الرشید، جبرئیل را امر کرد تا بیمارستانی در بغداد به سبک بیمارستان جندی‌شاپور بنا کند، بیمارستان ساخته شد و پزشکان و داروسازان آن از جندی‌شاپور جلب شدند (۱۳). جبرئیل در مقابل دویار حجامت خلیفه - هارون - در سال مبلغی معادل ۱۰۰/۰۰۰ درهم و برای یک داروی مسهل که شش ماه یکبار برای خلیفه فراهم می‌کرد نیز مبلغ ۱۰۰/۰۰۰ درهم دریافت می‌نمود (۱۵). بختیشوع بن جبرئیل چهارمین شخصیت پزشکی خاندان بختیشوع یادگار دانشگاه جندی‌شاپور در دربار عباسیان بود. وی نواده‌ی بختیشوع بن جرجیس و از پزشکان معروف عهد مأمون عباسی بوده است (۱۰) مأمون در لشکرکشی‌های خود به آسیای صغیر، بختیشوع سوم را نیز به همراه خود می‌برده است (۱۹) بختیشوع سوم بعد از وفات مأمون (۲۰۲ هـ) به عنوان پزشک خلفای عباسی‌الوائق (۲۲۷-۲۳۲ هـ)، متوکل (۲۳۲-۲۴۷ هـ) و المعتز (۲۵۲-۲۵۵ هـ) در دربار عباسیان خدمت کرد (۱۰) وی به عنوان یکی از خاندان آل بختیشوع در حوزه‌ی پزشکی همچنان جایگاه برتر پزشکی خود را نزد خلفا حفظ کرده بود به گونه‌ای که خلفای عباسی در طبابت زنان بچه‌دار خود او اطمینان داشتند (۲۰) دوران محنت این پزشک بزرگ از عهد متوکل آغاز گردید و در طی آن، متوکل او را به بحرین تبعید کرد. (۱۹) اما بار دیگر در عهد مقز به بغداد فرا خوانده شد و پزشک خلیفه گردید. طولی نکشید که این بار بر اثر سعایت دو تن از درباریان عباسی عبدالملک‌الزیات و احمدبن‌ابی داود به دلیل رشک و حسد آن‌ها بر مقام و شرکت بختیشوع سوم، این بار مقز، اموال بختیشوع را مصادره و او را به

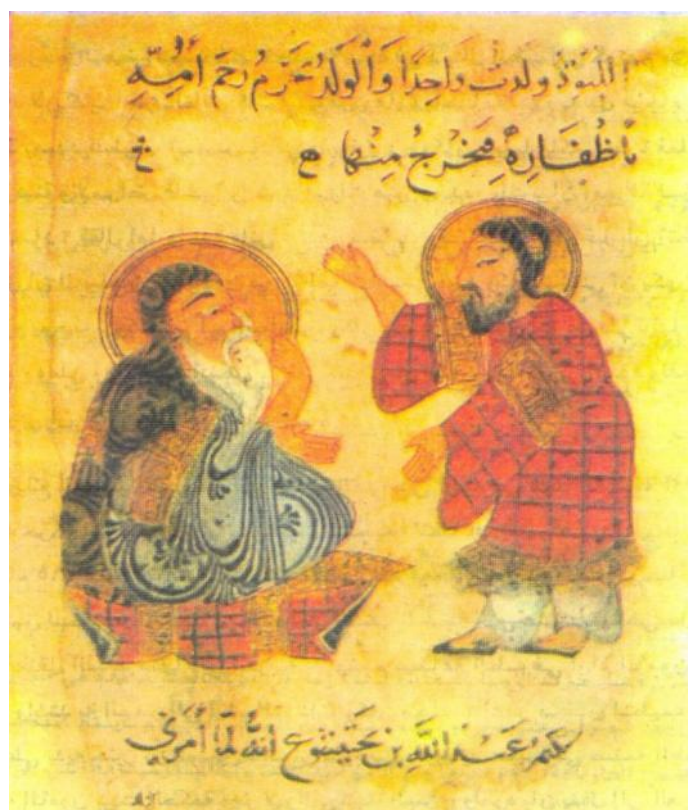
۱۹۳ هـ) سعی کرد تا بختیشوع بن جرجیس را به بغداد احضار و مستقر کند و آن را پزشک مخصوص خود قرار دهد. هارون علی‌رغم شناخت بختیشوع دوم از پزشکان بغداد خواست تا او را مورد امتحان و آزمایش قرار دهد. در این امتحان بختیشوع دوم اعجاب پزشکان را برانگیخت. پس از آن بود که هارون‌الرشید، بختیشوع دوم را به عنوان رئیس پزشکان بغداد منصوب کرد (۵). در دوران خلافت هارون‌الرشید، بختیشوع دوم همچنان سرآمد پزشکان بود، همچنین او در روانشناسی بالینی مهارت تام داشت و امراض عصبی را به خوبی می‌شناخت. بختیشوع نزد هارون بسیار عزیز و مقرب بود و یکبار نیز هارون را از بیماری سخت نجات داد. (۱۰) بختیشوع بن جرجیس به سال ۱۸۵ هجری درگذشت و بعد از او مقام علمی پزشکی (۱۳۳ ۱۴).

جبرئیل در بغداد، ابتدا به عنوان پزشک مخصوص خاندان ایرانی «برامکه» خدمت می‌کرد و پس از مرگ پدرش بختیشوع دوم پزشک ویژه‌ی هارون‌الرشید و سپس مأمون عباسی (۱۹۸-۲۰۲ هـ) شد. (۱۳، ۱۵) وی در زمان مأمون چند بار به حبس افتاد، اما مورد لطف واقع گردید. جبرئیل بعد از پدر همچنان مقام رئیس اطباء و پزشک مخصوص خلفاء را در دست داشته است (۱۶، ۱۷) در اوایل، جایگاه و مقام علمی جبرئیل بن بختیشوع به درجه‌ای رسید که وقتی هارون‌الرشید در سفر حج، جبرئیل را به همراه خود برد و از سوی عده‌ای به علت بردن یک مسیحی به شهر مقدس مکه، مورد اعتقاد قرار گرفت، پاسخ داد:

«قوام امپراطوری اسلام به ویژه خلیفه است و تقوام خلیفه در دست این مرد.» (۱۸) اما در دوره‌های بعد خصوصیات جبرئیل و فرزندان او به گونه‌ای نبود که بتوانند همان احترامی را که خاندان سلفی‌اش بر اثر غلبه‌ی جنبه‌ی علمی و اخلاقی بر حیات مادی‌شان در خواننده بر می‌انگیخت، نسبت به خود برانگیزد. از آن پس، جبرئیل در دربار با شکوه عباسیان که با مجادلات مبتذل و دسیسه‌آمیز احاطه شده بود به سر می‌برد. او با میل و علاقه وارد یک چنین زندگی‌ای

الراض عباسی (۳۲۲-۳۲۹ هـ) بوده است به پاس خدمات پزشکی این طبیب معروف، زمین‌های بسیاری به صورت انعام از سوی این دو خلیفه به او رسید (۱۶) عبیدالله دوم بن جبرئیل دوم، و همین و آخرین حلقه از سلسله آل بختیشوع در دربار عباسیان به شمار می‌آید. وی پزشکی نامی و از چهره‌های علمی جهان اسلام در قرن پنجم هجری به شمار می‌رفته است، این دانشمند علاوه بر طب در فلسفه و نجوم و ریاضی نیز متبحر بود (۴).

جندی‌شاپور باز گرداند (۱۳). از عبیدالله اول بن جبرئیل اول تا عبیدالله دوم بن جبرئیل دوم، عبیدالله اول بن جبرئیل از دیگر پزشکان معروف خاندان بختیشوع در نزد المکتفی (۲۸۹ - ۲۹۵ هـ) و از مقامات بیمارستان بغداد (۱۴) یحیی (یوحنا) فرزند بختیشوع سوم پزشک مخصوص الموفق طلحه فرزند متوکل بوده است (۲۱). جبرئیل بن عبیدالله - جبرئیل دوم هشتمین پزشک خاندان بختیشوع در دربار عباسیان نیز از پزشکان خاص مقتدر عباسی (۲۹۵ - ۲۹۶ هـ) و سرآمد پزشکان آن بود (۴) بختیشوع چهارم فرزند یحیی (یوحنا) نهمین پزشک این خاندان از پزشکان معروف بغداد در خدمت دو نفر از خلفای عباسی یعنی مقتدر عباسی و



تصویری مثالی از پزشک و دانشمند دامپزشکی، عبیدالله بن جبرئیل بن بختیشوع (آخرین پزشک آل بختیشوع) متوفی حدود سال ۴۵۳ هـ/۱۰۶۱ م در حال معاینه بیمار این تصویر هم اکنون در موزه لندن انگلستان با شماره ۲۷۸۴ صفحه شماره ۱۰۱ ب نگهداری می‌شود.

مأخذ: Ahmad Abdui-Razzaq Ahmad, Islamic Civilization in the middle Ages

مدرسه‌ی طبی جندی‌شاپور در جغرافیای ایران، مهمترین و تأثیرگذارترین مرکز علمی جهان باستان بوده است. فعالیت‌های پزشکی این مرکز علمی به اوایل عهد دولت ساسانی و حکومت دومین پادشاه این سلسله یعنی شاپور اول باز می‌گردد و در عهد خسرو انوشیروان به بالاترین اوج و عظمت خود رسید. جذب و گسترش طب بقراطی در جهان شرق مدیون این مرکز علمی بود. گرچه این مرکز در حیات تاریخی خود فراز و نشیب‌های فراوان را پشت سر نهاده است، اما باید اذعان کرد که با ظهور اسلام و گسترش جغرافیای سیاسی اسلام، این مرکز به عنوان یکی از سرزمین‌های وابسته به این جغرافیا به حیات خود ادامه داد به گونه‌ای که در عهد مقتدرترین نظام سیاسی اسلامی یعنی

خلافت عباسیان (۱۳۲-۶۵۶ هـ) خاندان بختیشوع به مدت هفت نسل از پزشکان مورد اعتماد و طرف توجه خلفای عباسی بودند. این خاندان در معالجه‌ی بیماری‌های سخت خلفا، و فرزندان آن‌ها همواره موفق نشان دادند. عملکردهای موفق بالینی این خاندان از یک سو گویای عظمت علمی دانشگاه پزشکی جندی‌شاپور و از سوی دیگر در انتقال علم پزشکی این دانشگاه به جامعه‌ی اسلامی مؤثر بود و اگر بگوییم بخش قابل توجهی از تجلیات عقلی تمدن اسلامی در حوزه‌ی علم پزشکی مدیون پزشکی جندی‌شاپور و خاندان بختیشوع بوده است، سخن بیهوده‌ای به میان نیاورده‌ایم.

References

- 1- Ahmad A. Fajr-ul-Islam. Beirut: Dar-ul-Ketab Al-Arabi; P. 130-133. (Persian)
- 2- Christian Sen A. [Iran at the time of Sassanids]. Yasami R, trans. Tehran: Sedayeh Moaser; 1999:P.161-2. (Persian)
- 3- Pirnia H. [Brief History of Iran]. Tehran: Asatir Publications; 1994:P.182. (Persian)
- 4- Shahrivini M. [Jundishapur University in the History of Writing and Research]. Tehran: Porshad; 2002: P. 41, 42, 44, 61,127,193,211,214,216. (Persian)
- 5- Zidan G. [History of Civilization of Islam]. Javaher Kalam A, trans. Tehran: Amir Kabir Publications; 2007: P. 413,546,548,559. (Persian)
- 6- Kazemi Shirazi H. [History of Foreign Relations]. Shiraz: Navid Publications;1992:P. 132. (Persian)
- 7- Ibn Al-Ibri. [Short history nations]. Ayati AM, trans. Tehran: Scientific and Publishing Company; 1998: P.101. (Persian)
- 8- Gjanim AH. [Islamic Civilization]. Cairo: Dar-Al-Islam; 2007: P. 50, 53. (Arabic)
- 9- Adul-Razzaq AA. [Islamic Civilization in the Middle Ages]. Cairo: Dar-Al-Fekr- Al- Arabi;1991: P.142. (Arabic)
- 10- Abu Ali Sina, Resaleh Jodieh. [Corrected doc]. Najm Abadi M, trans. Hamadan: Abu Ali Sina University; 2004: P. 8-12. (Persian)
- 11- Mosaheb GH. [Encyclopedia]. Tehran, Bina; 1966: P.393. (Persian)
- 12- Nasr SH. [Science and Civilization in Islam]. Aram A, trans. Bija: Kharazmi Publications; Bitap.183. (Persian)
- 13- Sami A. [The Role of Iran in Islamic Civilization]. Tehran: Tos Publications; 1986: P. 102 ,224 ,244 ,230 ,231 ,232. (Persian)
- 14- Ibn Joljol S. Tabaghat Al-atebba va al-Hokama. Kazem Amam SM, trans. Tehran; 1998: P.135. (Persian)

- 15- Hatta ph. [History of Arab]. Payandeh A, trans. Tehran: Scientific and Cuktural Publishing Company; 2001: P.463-4. (Persian)
- 16- Al-Zarkli K, Al-Din. Al-Ilam. Bija: Bina; Bitā:P.12. (Arabic)
- 17- Ahmad A, Parto Islam. Khalili A, trans. Tehrani: Bija; 1979: p88 (Persian)
- 18- Al-God S. [History of Medicine of Iran and Eastern Caliphate Nations]. Forghani B, trans. Tehran: Amirkabir Publications; 1987:P. 17-102. (Persian)
- 19- Sezgin F. [History of Literary Writings]. Tehran: Farhang va Ershad Eslami Publications; 2001: P.320. (Persian)
- 20- Ibn Nadim M. Al-Fihrest. Tajadod R, trans. Tehran: Sina Publications; 1967: P.528. (Persian)
- 21- Najm Abadi M. [History of Medicine in Iran after Islam]. Tehran: Daneshgah Publications; 2000: vol. 2, P.224. (Persian)

Bakhtishu' Dynasty: Reminder of Jundishapur and its role in Islamic civilization

Bahador Ghayem Ph.D^{1*}, Safiyyah Saki Mofrad²

1- Assistant professor of History
Shahid Chamran University of
Ahvaz, Ahvaz, Iran.

2- Graduate Student of history
Shahid Chamran University of
Ahvaz, Ahvaz, Iran.

*Corresponding Author:
Bahador Ghayem, Assistant
professor, Department of History,
Faculty of Letters and
Humanities, Shahid Chamran
University of Ahvaz, Ahvaz, Iran.
Tell: 09166913019
Email: Ghayem.b@scu.ac.ir

Abstract

Bakhtishu' Dynasty is among the greatest of Jundishapur dynasties known for their knowledge-seeking. Six generations of this dynasty taught and offered services in medical treatment. Their expertise made Abbasid caliphs employ them for their own medical treatment, as well as translation and writing on sciences especially medicine. They had an impact on medicine in Islamic civilization.

It is theoretical with a descriptive analytical approach.

Research shows that Bakhtishu' Dynasti proved efficient as physicians for the Abbasid caliphs. The latter group wrote and translated valuable books.

Their academic and practical activities in different branches of medicine, over several centuries, made them the academic inheritors of Jondi Shapour University, connecting ancient medicine to Islamic medicine.

Keywords: Bakhtishu' Dynasty, Jondi Shapour, Baghdad, medicine, Islamic civilization.

Received: 01.10.2011

Accepted: 04.01.2012